دفاع زیگزاگی شهردار سابق در دومین جلسه دادگاه

نجفی همه را شوکه کرد

هنگام توضیح صحنه قتل میترا استاد در حالی که اسلحه در دست نجفی بود قاضی به شوخی گفت «مارا نکشی!» که این مسئله باعث خنده حضار و نجفی شد

نجفی در دومین جلسه دادگاه اتهام قتل عمد و بیان مهدورالدم بودن میترا را رد کرد

وو کیلش هم از احتمال حضور ضارب دوم سخن گفت!

محمد علی نجفی چهره شناخته شده عرصه سیاست و مدیریت که با قتل همسرش میترا استاد همه را شوکه کرد به نظر می رسد در جلسات دفاعیات خود هم همین رویه را در پیش گرفته و با بیان سخنان و مواضع متناقض وزیگزاگی همه را شگفت زده کرده است. نجفی که در دست نوشته خود پس از قتل میترا استاد از مهدورالدم بودن او سخن به میان آورده و تاکید کرده بود که «امروز کارش را یکسره کردم» در جلسه دیروز ضمن این که تاکید کرد: «اتهام قتل عمد را به هیچ عنوان قبول ندارم» درباره مهدورالدم بودن میترا استاد هم گفت: «من در دفاعیاتم عنوان مهدورالدم را بیان نکردم. بازپرس پرونده می خواست آن را در دهان من بگذارد». نجفی و تیم وکلایش که در جلسه اول استراتژی دفاع خود را بر حمله و مذاکره بنا نهاده بودند در جلسه دیروز به وضوح لحن ملایم تری درباره مقتوله اتخاذ و به ویژه سعی کردند از بحث مهدورالدم بودن فاصله بگیرند. عزل علیزاده طباطبایی یکی از سه وکیل نجفی هم که اولین بار مسئله مسلمان نبودن مقتوله را در یکی از مصاحبه های خود مطرح کرده بود نشانه واضحی از این چرخش بود تا شاید بتوانند در مذاکرات با اولیای دم امکان رضایت آن ها را فراهم کنند هر چند وکیل اولیای دم به شدت به نحوه دفاعیات نجفی حمله کرد و آن را «ناجوانمردانه» خواند. فرزند میترا استاد هم که در این جلسه حضور داشت دوباره تقاضای قصاص کرد. وکیل نجفی هم در این جلسه همچون موکلش سخنان جدیدی بیان وضمن این که ایراداتی به روند تحقیقات وارد کرد حتی از احتمال وجود ضارب دوم در صحنه قتل و شلیک ۴ گلوله از اسلحه دیگر سخن به میان آورد.

وکیل اولیای دم: دفاعیات متهم ناجوانمردانه بود

دومین جلسه رسیدگی به پرونده قتل میترا استاد در حالی آغاز شد که پسر میترا استاد در دادگاه حضور داشت.

قاضی کشکولی هم با اعلام رسمیت جلسه تاکید کرد: محمد علی نجفی، دوتن از وکلای مدافع او و وکلای اولیای دم و همچنین مهیار صفری و نماینده دادستان هم در جلسه حضور دارند. در ادامه جلسه حاجی لویی یکی از وکلای مدافع اولیای دم با حضور در جایگاه، ضمن انتقاد از مطرح شدن موضوع مهدورالدم بودن مقتوله و تیتر شدن آن در روزنامه ها گفت: این جانب به همراهی همکارم بعد از مطالعه پرونده دفاعیات ناجوانمردانه متهم حاضر را دیدیم که جا دارد مواردی را ذکر کنم. وی افزود: این دفاعیات بسیار متعارض بود و به صورت تیتر اول روزنامه ها درآمد. اقاریر متهم در پرونده این بود که مقتوله ابتدا وارد زندگی او شده و بعد گفته من اشتباهاً ازدواج کردم. ما می دانیم متهم چه هزینه هایی کرده تا نظامات را زیر پا بگذارد و ازدواج را ثبت کند. بعد متهم گفته که من طلاقش ندادم و از آن جا که حق طلاق با مرد است می توانسته حق و حقوق او را بدهد و بعد متهم گفته که او را کشتم و اشتباه کردم. وی افزود: آقای نجفی شما وزیر سابق آموزش وپرورش بودید، نوک مداد را نشکسته اید که می گویید اشتباه کردم؛ شما آدم کشتید. این جا صحنه سیاست نیست که به راحتی کنار بکشید شما مرتکب قتل عمد شده اید. بعد گفتید که او پرستو است و با نهادهای امنیتی در ارتباط است. قاضی کشکولی در این هنگام به وکیل مدافع اولیای دم تذکر داد و گفت: ما مقررات آیین دادرسی کیفری را قرائت کردیم و توقع این است که شما و کلا که حقوقدان هستید دقت کنید و بیان الفاظ ناجوانمردانه در شأن دادگاه نیست. در ادامه وکیل مدافع اولیای دم خطاب به نجفی گفت: بهتر است یک بار برای همیشه متهم اعتراف کند و بگوید مرتکب قتل عمد شده و تقاضای بخشش کند.

مهیار: تقاضای قصاص خون مادرم را دارم

به گزارش ایسنا، سپس قاضی کشکولی اعلام کرد: مهیار خواسته که هیچ عکسی از او گرفته نشود. قاضی از مهیار صفری خواست تا در جایگاه حاضر شود و خود را معرفی کند. او گفت: من متولد ۱۱ شهریور ۸۲ هستم، فرزند جهانشاه صفری، قاضی پرسید: تحصیلات شما چقدر است؟ مهیار گفت: سیکل هستم. قاضی پرسید: شکایتی دارید، مهیار گفت: تقاضای قصاص خون مادرم را دارم. قاضی از مهیار خواست تا مشاهدات خود را از نحوه به قتل رسیدن مادرش بگوید که مهیار به دلیل شرایط بد روحی نتوانست پاسخ دهد و قاضی گفت: ایرادی ندارد، پاسخ ندهید. وی در پاسخ به سوال رئیس دادگاه درباره اختلاف مادرش با متهم نجفی گفت: بله آن ها اختلاف داشتند و چند بار تهدید کرد که با همین اسلحه مادرم را خواهد کشت. رئیس دادگاه درباره اختلاف شب قبل از قتل مادرش با متهم نجفی پرسید که او گفت: بله شب قبل از ساعت ۹ و نیم شب تا ۲ و نیم صبح با هم درگیری داشتند و دایی ام مسعود استادنیز تا ۱۲ شب منزل ما بود.

نجفی: اتهام قتل عمد را به هیچ عنوان قبول ندارم

در ادامه جلسه دادگاه، نجفی با حضور در جایگاه و پس از معرفی خود در پاسخ به سوال قاضی درباره این که آیا اتهامات خود را قبول دارید یا خیر؟ در دفاع از خود گفت: آن چه را که اتفاق افتاده قبول دارم و توضیح می دهم اما اتهام قتل عمد را به هیچ عنوان قبول ندارم و دلایل خود را عرض می کنم.

۲ تعهد نجفی به میترا چه بود؟

نجفی ضمن عرض تسلیت به خانواده مقتول با بیان این که از شش ماه قبل از حادثه به این نتیجه رسیدم که زندگی مشترک ما با توجه به عمق اختلافات نمی تواند ادامه یابد پیشنهاد دادم تمام مهریه اش را می دهم اما قبول نکرد و می گفت عاشق من است. من هم ایشان را دوست داشتم ولی با این میزان اختلافات ترسم این بود به نفرت تبدیل شود و سعی شد با برخی از ریش سفیدان و افرادی تماس گرفته و ایشان را به طلاق تشویق کنم اما تعهدی در روز عقد داده بودم که از من خواست اختیار طلاق را به ایشان بدهم که ندادم اما در مقابل دو تعهد دادم و گفتم هر وقت خواستی جدا شوی قبول می کنم و هر وقت به این نتیجه رسیدم که جدا شویم با توافق شما انجام شود و نمی خواستم زیر قولم بزنم. نجفی با اشاره به جرو بحث ها و ناسزاهای میترا به وی در شب قبل از حادثه در خصوص روز حادثه گفت: ساعت ۹ شده بود که مهیار رفت و ایشان بیدار شد و مجدد ادامه بحث های شب قبل را مطرح کرد. خواستم پاسخ ندهم و ساعت ۹ و نیم شده بود که گفت به حمام و پس از آن بیرون می روم. گفتم کجا؟ گفت خودم می دانم. این موضوعی بود که خیلی بین ما بحث شده بود. از آن لحظه به بعد خیلی عصبانی شدم و همه ماجرا دو تا سه دقیقه طول کشید و نفهمیدم چه شد. عصبانیت و خشم مرا فرا گرفت.

اسلحه مجاز بود

نجفی افزود: در خصوص نگهداری و غیر مجاز بودن اسلحه بعدها توضیح می دهم زیرا مجاز بوده و آن را تمدید کرده بودم. وی افزود: پشت سر میترا استاد رفتم. فکر کردم از در حمام تا وان یک متر فاصله است. فکر می کردم ایشان در وان است و می توانم بنشینم و با او حرف بزنم و قطعی روی طلاق تصمیم بگیریم. پشت سرش وارد شدم.

میترا گفته بود روش استفاده از اسلحه را به من یاد بده

در کمد نیمه باز و اسلحه آن جا بود. آن را برداشتم و بالش را روی آن گذاشتم تا اسلحه را نبیند و نگران نشود. چون یک بار گفته بود بیا و روش استفاده اسلحه را به من یاد بده. وقتی وارد حمام شدم متاسفانه ایشان وارد وان نشده بود و ما سینه به سینه هم شدیم. بالش را کنار زدم تا اسلحه را ببیند و به او بگویم که کارمان به جای باریک می کشد اگر با گفت و گو مسائل را حل نکنیم اما ایشان وقتی اسلحه را دید نمی دانم چه شد که هول شد.

نجفی ادامه داد: ایشان دستشان را روی شانه های من گذاشت، من به عقب رفتم و به این دلیل که دستم روی ماشه بود یک گلوله شلیک شد و بالش روی زمین افتاد. من سپس دستم را بالا بردم و ایشان دو دستی دست راست مرا گرفتند، من گفتم ول کن و پس از تیر اول ۴ تیر دیگر نیز شلیک شد. من قصد شلیک نداشتم. آخرین تیر که به او برخورد کرد من دیدم ایشان مرا رها کرد و سپس دیگر تیری شلیک نشد. او سپس داخل وان افتاد. من بلافاصله اسلحه را جلوی آینه حمام گذاشتم. شوکه شده بودم. دست گذاشتم دیدم حرکتی ندارد. دیدم که بالای سینه شان سوراخ است. شاید ۴ یا ۵ دقیقه بدون حرکت آن جا ایستاده بودم و حالتی غیر قابل تصور داشتم.

نجفی با بیان این که قصد کردم خودم را با آن اسلحه تنبیه کنم و بکشم، افزود: بعد از چند دقیقه از وان خارج شدم و در اتاق قدم زدم و به بالکن رفتم و فکر کردم که آیا خودم را از آن جا پرت کنم یا نه؟

بازپرس می خواست عنوان مهدورالدم را در دهان من بگذارد

نجفی گفت: به نظرم رسید بخشی از داستان زندگی مشترکم با او را بنویسم. به خواست آن مرحوم شش ماه ارتباطی با خانواده ام نداشتیم. آن چه که نوشتم با عجله بود و بعضی چیزها به صورت غیر دقیق نوشته شد. من در دفاعیاتم عنوان مهدورالدم را بیان نکردم. بازپرس پرونده می خواست آن را در دهان من بگذارد و می گفت که قبول داشتی که مهدورالدم است که این عنوان اصلاً آن زمان مطرح نبود و بعدها مطرح شد. متهم این پرونده با اشاره به اظهارات وکلای اولیای دم، گفت: وکیل گفت که من عنوان مهدورالدم را در دفاعیاتم به کار بردم اما من به کار نبردم و حتی اگر به آن معتقد هم باشم بنا نیست خودم او را به قتل برسانم. وی افزود: همچنین گفته شده که من گفته ام ایشان پرستو است اما من لفظ پرستو را به کار نبردم. این را بعضی در فضای مجازی نوشته اند که باید از خودشان بپرسید با چه انگیزه ای نوشته اید. وی با بیان این که آن چه که می گویم برای تبرئه خودم نیست، گفت: من حتی گفتم دوست دارم قصاص شوم تا این که احساس گناه در محضر الهی بخشیده شود.

نجفی با اشاره به موضوع قصد قبلی برای انجام قتل، گفت: به هیچ عنوان قصد قتل در ذهن من نبود اما قبول دارم اشتباه کردم که اسلحه را برداشتم و ۵ گلوله شلیک شد. من اگر در فاصله یک متری قصد قتل داشتم و می خواستم او را از بین ببرم یک گلوله کافی بود اما از ۵ گلوله ۴ تا از آن به سقف و دیوار خورده است. وی افزود: من با اسلحه آشنایی داشتم. زمانی که با شهید چمران در ارتباط بودم و قصد رفتن به لبنان داشتم در کلاس هایی در این خصوص شرکت می کردم.

نجفی با بیان این که اصابت های گلوله نشان دهنده این است که شلیک ها به طور مستقیم نبوده است، افزود: در فضای مجازی این مطالب به طنز می آید. سه نفر در بازداشتگاه و یک نفر هم در آگاهی همین مطلب را از من سوال کردند و گفتند شما که آشنایی داشتید چرا یک فرمول دیگری برای این عمل پیدا نکردید. من گفتم که اصلاً قصد قتل نداشتم.

قاضی کشکولی افزود: شما گفتید خشاب اسلحه از قبل در سلاح بود و مسلح نبود و روی ضامن قرار داشت. وقتی به سمت حمام رفتم آن را مسلح کردم البته اشتباه کرده و مرتکب قتل شدم. آیا این گفته ها را قبول دارید؟

نجفی گفت: نمی دانم چه شده. هر چه فکر کردم در فاصله اتاق تا حمام کاری جز برداشتن بالش نکردم. اسلحه از قبل مسلح بوده. آن چه در روز اول گفته ام به دلیل شرایط نامساعد من بوده و شرایط عادی نداشتم.

دلیل مصاحبه با صدا و سیما

در بخشی از جلسه دادگاه، فیلم ورود نجفی با آسانسور پخش شد و او در پاسخ به سوال قاضی که آیا اظهارات خود را در مرحله تحقیقات مقدماتی قبول دارید؟ گفت: سوالات از من خیلی زیاد بود. من روز اول و دوم زیاد به خودم تسلط نداشتم تا آن چه را برای خودم اتفاق افتاده تجزیه و تحلیل کنم. نجفی گفت: همان شب که خودم را معرفی کردم از من خواستند با صدا و سیما مصاحبه کنم، چون گفتند شایعه شده شما از کشور خارج شدید و رفتید و چون آن عکس هم در آگاهی منتشر شده بهتر است مصاحبه کنید که من هم به این دلیل مصاحبه کردم.

سرگرد عزتی: دست متهم تعادل نداشته

سرگرد عزتی راد کارشناس اسلحه در بخشی از دادگاه گفت: بررسی های کارشناسی ما نشان می دهد که متهم هنگام تیراندازی، دستش تعادل نداشته زیرا ۳ گلوله آن به فاصله نزدیک به هم، به دیوار و سپس به سقف حمام کمانه کرده است و نشان می دهد که ۳ گلوله به دیوار و یک گلوله مستقیم به کمد چوبی رو به رو و تنها یک گلوله در کش و قوس های به وجود آمده به دست و سپس به بدن مقتول اصابت کرده است.

وی در پاسخ به سوال قاضی که شما در گزارش خود اشاره کرده اید که اگر گلوله در فاصله یک یا ۵ متر شلیک شده باشد باید از بدن مقتول خارج می شد؟ گفت: بررسی های ما نشان می دهد که مقتوله ورزشکار یا از یک اندام ورزیده برخوردار بوده زیرا گلوله باید از پهلوی او خارج می شد.

میترا چند بار خودکشی کرده بود

نجفی همچنین ضمن تشریح ماجرای خودکشی اش در یکی از هتل های تهران درباره اثر چهار بریدگی در دست چپ همسرش گفت: به من گفته بود که در زندگی با همسر اولش سه بار خودکشی کرده، یک بار رگ دست چپش را زده و دو بار نیز قرص خورده است.

مسعود استاد و تکذیب ماجرای پول میلیاردی

به گزارش خبرنگار جنایی ر کنا، مسعود استاد برادر میترا استاد در پایان دومین جلسه دادگاه روز ۲۶ تیر ماه در جمع خبرنگاران گفت: رضایت نمی دهیم و فقط قصاص می خواهیم. وی درباره شایعاتی مبنی بر گرفتن پول میلیاردی در ازای رضایت و بخشش نجفی به عنوان دیه گفت: این حرف ها شایعه است و ما پولی درخواست نکرده و هیچ مبلغی را تعیین نکرده ایم.

علامت سوال های وکیل نجفی و پاسخ سرپرست دادسرای جنایی

در ادامه دادگاه، گودرزی وکیل مدافع متهم نجفی با انتقاد از روند تحقیقات و وجود سوال های بی پاسخ، گفت: روز حادثه خبرنگار صدا و سیما اسلحه را در دست می گیرد خشاب را بیرون می آورد و ادعا می کند که کارهای کارشناسی روی اسلحه انجام شده است، اما بنده دیدم که در پرونده، کارهای کارشناسی اسلحه نهم و یازدهم خرداد انجام شده است. تنها دوای درد، سرعت در ارسال پرونده به دادگاه بود در حالی که سوالاتی همچنان وجود داشت. مگر می شود ۵ گلوله شلیک شود و ۹ محل اصابت گلوله وجود داشته باشد؟ این وکیل دادگستری گفت: مگر می شود ۲ گلوله کشف شود؟ مگر می شود شخصی بازداشت شود و فردایش آزاد شود و کسی نپرسد که او که بوده است؟

گودرزی افزود: پرونده از نقایص عدیده ای رنج می برد که رئیس دادگاه تاکنون قسمت هایی از آن را رفع کرده و قسمت های عظیمی از آن باقی مانده است. این نقایص باید برطرف شود تا به سوالات ما و حتی خانواده استاد پاسخ داده شود. باید معلوم شود که آیا نجفی قاتل حرفه ای بوده یا مسئله ای غیر ارادی رخ داده است؟ وکیل مدافع متهم نجفی گفت: ما در این پرونده با ۵ پو که مواجهیم اما در بررسی صحنه سه مورد روی دیوار حمام، روی در کمد روشویی و سه مورد هم روی سقف وجود دارد که یعنی هفت محل اثبات گلوله وجود دارد. ما باید دو محل گلوله دیگر هم اضافه کنیم یکی به قفسه سینه و دیگری به کف دست چپ. وی افزود: چون از این اسلحه ۵ گلوله شلیک شده ۴ گلوله دیگر از اسلحه دیگری خارج و شلیک شده است و احتمال وجود دو ضارب دیگر هم وجود دارد، لذا ۹ ایراد داریم.

■ دکمه های پیراهن مردانه در حمام متعلق به کیست؟

وی با بیان این که این پرونده شهامت دادرسان را می طلبد، گفت: حمام کوچک می تواند اقیانوسی بزرگ برای تیم بررسی صحنه باشد. پرونده مهم و محل سوال عمومی است. من تحقیق و تلاش کردم و پاسخ های غیر علمی نخواهم داد. وکیل متهم ادامه داد: در صحنه تعداد زیادی دکمه از پیراهن مردانه کنده شده که نجفی می گوید تیشرت بر تن داشته و با همان به قم و آگاهی رفته است. وی افزود: مسئله دکمه های پیراهن و درگیری باید بررسی شود. گزارش صحنه فاقد خوردن گلوله به دست است و این موضوع صورت جلسه را ابطال می کند.

وکیل نجفی گفت: تعدادی دکمه کنده شده در محل ارتکاب جرم پیدا شده است و با توجه به این که این دکمه ها مربوط به پیراهنی غیر از پیراهنی است که هنگام قتل بر تن نجفی بوده، احتمال حضور فرد سوم هنگام قتل در محل حادثه مطرح است. وکیل مدافع نجفی گفت: امروز من بیشتر سخنانم را به نقایص معطوف می کنم و ان شاءا... در جلسات آینده دفاعیاتم را می گویم. وی خطاب به قاضی پرونده گفت: مستحضرید که پرونده های جنایی از پیچیدگی و حساسیت خاصی برخوردار است لذا برای دفاع از موکلم نیاز دارم که اطلاعات و مستندات کارشناسی اسلحه را با دقت مطالعه کنم.

در ادامه، قاضی کشکولی خطاب به وکیل نجفی گفت: دفاع از متهمان حق قانونی وکلاست اما انتظار می رود وکلا براساس قانون و مستدل دفاع کنند و به گونه ای دفاع نکنند که در روند دادرسی شبهاتی ایجاد شود و نباید وکلا شبیه فضای مجازی و رسانه ها عمل کنند. قاضی محمدی کشکولی جلسه بعدی را ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۳۱ تیر ماه اعلام کرد و خطاب به وکیل نجفی گفت: شما تا جلسه بعدی فرصت دارید تا مستندات قانونی را جمع آوری کنید.

■ شهریاری: وکیل نجفی سوار بر موج های فضای مجازی می شود

در همین حال، شهریاری سرپرست دادسرای جنایی در جمع خبرنگاران گفت: همان طور که سه کارشناس و جناب سرهنگ توضیح دادند ۵ گلوله شلیک شده و نظر کارشناسان درست است. آن چه مهم است این که آقای نجفی خودشان با صداقت اتهام خود را قبول دارند. او می گوید یک سلاح بود و خودم در صحنه بودم، اما وکیل القائات دیگر می کند و سوار بر موج هایی می شود که برخی افراد در فضای مجازی به راه انداخته اند که نکند فرد دیگری هم باشد. وی در پاسخ به این سوال که احتمال وجود دو ضارب یا شخص دیگر وجود دارد؟ گفت: آقای نجفی خودش می گوید این موضوع نبوده است.

در امتداد تاریکی

زنم مرا از خانه بیرون کرد!

همسرم از ریز و درشت زندگی ام خبر دارد در واقع از روزی که با او ازدواج کردم چیزی برای پنهان کاری نداشتم با وجود این او همواره مرا به خاطر شرایط اقتصادی تحقیر می کند و مدام با یکدیگر مشاجره داریم. این در حالی است که همسرم تبعه خارجی است و من برای زندگی او و خانواده اش در ایران زحمات زیادی کشیده ام تا...

جوان ۲۲ ساله در حالی که بیان می کرد همه خواهران و برادرانم دچار معلولیت جسمی هستند و پدرم توان تامین هزینه زندگی آن ها را ندارد در برابر ادعای همسرش مبنی بر نپرداختن نفقه زندگی به کارشناس اجتماعی کلانتری سپاد مشهد گفت: در یک خانواده شش نفره روستایی به دنیا آمدم. پدرم کارگر ساده ای است که به سختی مخارج زندگی خانواده را تامین می کند. من هم که تا مقطع ابتدایی در روستا تحصیل کرده بودم چند سال قبل برای یافتن شغل مناسب به مشهد آمدم و در حاشیه شهر ساکن شدم ولی به دلیل تحصیلات پایین نتوانستم شغلی بهتر از کارگری روزمزد به دست بیاورم. از سوی دیگر همواره دلم به حال خانواده ام می سوخت چرا که آن ها با مشکلات و حشتناکی در زندگی روبه رو بودند. پدرم به خاطر برخی اعتقادات و دلایلی که از نیاکانش به ارث برده بود تن به ازدواج فامیلی داد بدون آن که از مشاوره های ژنتیکی و پزشکی استفاده کند به همین دلیل بعد از من که فرزند اول خانواده بودم چهار خواهر و برادر دیگرم دچار معلولیت های جسمی شدند. دو تن از خواهرانم که دچار بیماری گوژپشتی هستند خیلی از این موضوع رنج می برند. آن ها با این که بسیار مهربان و باهوش هستند اما جرئت بیرون آمدن از خانه را ندارند چرا که از نگاه های تحقیرآمیز می ترسند. وقتی به شهرستان می روم آن ها گریه کنان به سوی من می آیند و از این که پدرم با اشتباه در ازدواج موجب سیاهی روزگارشان شده است و حالا حتی هزینه های درمان را ندارند بسیار زجر می کشند. آن ها می گویند نه تنها با این شرایط نمی توانند ازدواج کنند بلکه شغلی هم ندارند تا امور خودشان را بگذارند. برادر کوچکم که فقط شش سال دارد از ضعف بینایی شدید در رنج است و... خلاصه همه این مشکلات موجب شد تا مادرم که هنوز به سن میان سالی هم نرسیده است به بیماری قلبی مبتلا شود به طوری که در چند ماه گذشته پزشکان با دریچه قلب مصنوعی او را درمان کرده اند و باید هر هفته از شهرستان برای ادامه معالجاتش به مشهد بیاید و... در این شرایط خانواگی من که تنها فرزند سالم خانواده بودم حدود دو سال قبل به دختری تبعه خارجی دل باختم و تصمیم به ازدواج با او گرفتم. در همین مدت خیلی تلاش کردم تا همسرم و خانواده اش شرایط زندگی در ایران را داشته باشند بالاخره بعد از یک سال زندگی مشترک ما آغاز شد و به دنیا آمدن فرزندم زندگی ام صفای دیگری به خود گرفت. اما اختلافات من و همسرم از آن جا به طور جدی شروع شد که پدرزنم منزل کوچکی را برای زندگی مشترک به همسرم واگذار کرد و گاهی از نظر مالی نیز دستمان را می گرفت. من هم از این که خانواده همسرم به زندگی ما توجه می کردند راضی بودم ولی همواره از سوی همسرم به شدت تحقیر می شدم. هر بار که خانواده اش کمکی به ما می کردند تا مدت ها باید زخم زبان و نیش و کنایه های همسرم را تحمل می کردم. او مدعی بود وقتی پدرش خانه ای برای سکونت به ما داده است چرا پدر من کمکی به زندگی ما نمی کند؟! به او می گفتم تو که از شرایط وحشتناک زندگی آن ها خبر داری! در واقع من باید به نوعی به آن ها کمک کنم ولی باز هم به خاطر تو و فرزندم که در زندگی کم و کسری نداشته باشید همیشه نزد آن ها شرمنده بوده ام و نتوانستم حتی مبلغ اندکی هم به آن ها کمک کنم. به همین دلیل مدام چشم به یاری خیران دوخته ایم تا شاید با کمک پزشکان بتوانیم حداقل خواهرانم را درمان کنیم چرا که هزینه عمل جراحی هر کدام از آن ها حدود ۵۰۰ میلیون تومان است و... با وجود این همسرم همه این مشکلات را نادیده می گیرد تا جایی که کلید منزل را از من گرفت و در حالی مرا از خانه خودش بیرون کرد که مدعی است من نفقه و هزینه های زندگی را پرداخت نمی کنم با آن که من با همین کارگری او را به مسافرت کیش بردم و هر هفته در بیرون از منزل غذا می خوریم و...

شایان ذکر است به دستور سرهنگ عباس زمینی (رئیس کلانتری سپاد) پرونده این زوج جوان در دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت تا شاید با همت خیران مشکلات خانوادگی آن ها برطرف شود.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

عکس متعلق
به آقای محمد عارف واعظی
۴۱ ساله دارای اختلال حواس
مفقود شده خواهشمند است در صورت مشاهده با شماره های ذیل تماس حاصل فرمائید.
۰۹۱۵۴۷۱۲۹۷۶ - ۰۹۳۹۱۱۰۲۰۲۵
م/۹۸۰۵۲۷۲۱

آگهی مفقودی دفترچه ثبت ساعت
دفترچه ثبت ساعت پلیس راه ویژه نقلیه عمومی مستند به گواهینامه پایه دوم بنام سید رضا احمدی درو فرزند مرتضی متولد ۱۳۵۱ ش ش ۱۶۳۰ و کد ملی ۱۶۳۸۸۰۳۰۹۹ صادره از حوزه ۶ خلخال، مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میگردد.
۵۷۶
۹۸۰۵۳۱۰۶

آگهی مفقودی دفترچه ثبت ساعت
دفترچه ثبت ساعت پلیس راه ویژه نقلیه عمومی مستند به گواهینامه پایه دوم بنام سید رضا احمدی درو فرزند مرتضی متولد ۱۳۵۱ ش ش ۱۶۳۰ و کد ملی ۱۶۳۸۸۰۳۰۹۹ صادره از حوزه ۶ خلخال، مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میگردد.
۵۷۶
۹۸۰۵۳۱۰۶